خبر

«تک‌تیرانداز» به شبکه نمایش می‌آید

علاقه‌مندان به تماشای فیلم‌های سینمایی می‌توانند فیلم «تک‌تیرانداز» را جمعه ساعت ۱۹ از شبکه نمایش به تماشا بنشینند. تک‌تیرانداز فیلمی به کارگردانی علی غفاری و تهیه‌کنندگی ابراهیم اصغری محصول بنیاد فرهنگی روایت فتح در سال ۱۳۹۹ است. این فیلم نخستین‌بار در سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم از دیدگاه ملی و بهترین جلوه‌های ویژه میدانی شد.

داستان این فیلم درباره یک تک‌تیرانداز ایرانی به نام عبدالرسول زرین در جنگ ایران و عراق است که صدام برای سر او جایزه تعیین کرده است. بعثی‌های عراقی برای دریافت جایزه، دنبال او هستند تا او را از پا دربیاورند. کامبیز دیرباز نقش این شهید را بازی کرده و در کنار او بازیگران دیگری چون: امیررضا دلاوری، علیرضا کمالی، انوش معظمی، اسماعیل خلج و حسین شریفی حضور دارند. علی غفاری در گفت‌وگویی درباره این فیلم بیان کرده بود که ما در فیلم تک‌تیرانداز تلاش کردیم نوع جهان‌بینی شهید نسبت به جنگ و مبارزه را که با تمام تک‌تیراندازان جهان متفاوت است، به تصویر بکشیم. تصمیم نداشتیم فیلم مذکور زندگینامه این شهید باشد. این فیلم برشی هرچند کوتاه از دوران حضور شهید زرین در جبهه‌های نبرد بوده است. کامبیز دیرباز یکی از بازیگران خوب و بااخلاق سینمای ایران است و سن و سالش هم به شهید زرین نزدیک بود.

در خارج از تهران تصویر برداری شده است

وسعت ایران زمین

کودکی تا زمان مرگ ساخته شد. بخش‌هایی از این سریال در زنجان، مریوان و تهران تصویربرداری شده بود. از بازیگران این مجموعه می‌توان به کاوه خداشناس، سپیده خداوردی، زهرا سعیدی، حمیدرضا عطایی، مرحوم شهرام عبدلی و مهران رجبی اشاره کرد.

قصه انقلاب در آذربایجان

سریال «جلال» که روایتگر رخدادهای اجتماعی و روزهای انقلاب بود، لوکیشن‌های مختلفی داشت که اصلی‌ترین آن در آذربایجان شرقی بود. جلال، درامی اجتماعی از رخدادهای اجتماعی منتهی به بهمن ۵۶ بود که حمیرا ریاضی، عمار تفتی، هادی افتخارزاده، مهران رجبی، رضا آپاک، سنا پورسعیدی، کامیار شکیبایی، فاطمه شکری، حامد منافی و دیگر بازیگران تلویزیون و بومی آذربایجان شرقی در آن بازی می‌کردند. این سریال به کارگردانی حسن نجفی و تهیه‌کنندگی مهدی کریمی بود که قیام مردم آذربایجان شرقی را در سال‌های انقلاب نمایش می‌داد.

خارج از پایتخت

مجموعه «پایتخت» را هم باید از آن دست سریال‌هایی دانست که با خارج‌شدن از فضای همیشگی سریال‌های تهران، شمال کشور را به‌خوبی به مخاطب نمایش می‌داد. این مجموعه به کارگردانی سیروس مقدم و تهیه‌کنندگی الهام غفوری بود که در شش فصل روی آنتن رفت. روایت پایتخت مربوط به زندگی نقی معمولی بود که در فصل اول تصمیم گرفتند از علی‌آباد به تهران کوچ کنند. در فصل دوم، نقی در گنبد و گلدسته‌سازی کار می‌کرد و با کامیون ارسطو از طرف محل کارش مسئول می‌شد یک گنبد و گلدسته را به روستایی در قشم ببرد. او با خانواده‌اش به همراه سرپرست بار راهی تهران می‌شد تا گنبد و گلدسته را به صاحبش که در خانه سالمندان زندگی می‌کرد نشان دهد و بعد به طرف مکان نصب برود. لوکیشن این فصل از شمال به سمت حال و هوای جنوب هم کشیده می‌شد تا تصاویر زیبایی از قشم را هم به مخاطب نمایش دهد.

سنجرخان کردستان

یکی دیگر از مجموعه‌هایی که حال و هوای آن خارج از تهران و با فضای استان‌های دیگر بوده، سنجرخان است که این روزها از آنتن شبکه یک پخش می‌شود. این مجموعه روایتگر سنجرخان وزیری است که یک قهرمان کرد در دل تاریخ بوده و تاکنون آنطور که باید درباره آن صحبت نشده بود. سنجرخان برای ضبط قسمت‌های مختلف خود، هم سراغ لوکیشن‌های واقعی تاریخی به جا مانده از آن دوران رفته و هم، بخشی از فضای موردنیاز خود مثل بازار قدیمی را بازسازی کرده است. این مجموعه با نمایش فرهنگ و رسوم مردم سنندج، نماینده مردم کردزبانی است که در دل تاریخ دلاوری از خود نشان داده‌اند.

آتش و بادی از شیراز

مجموعه آتش و باد هم با توجه به حال و هوای تاریخی خود، بخشی از فضای سریال را خارج از تهران ضبط کرده است. لوکیشن‌های سریال مربوط به سکانس‌های مختلفی نظیر منزل قوام، کنسولگری انگلیس، بازار شیراز و کوچه و گذر آن است و بخش‌های دیگر هم در شهرک سینمایی غزالی فیلمبرداری شده است. فیلمبرداری قسمت‌های کوهستانی سریال هم در جاده امام‌زاده داوود در اوج برف و سرمای شدید صورت گرفته است. این مجموعه تلاش کرده بود فضای شیراز را در دل تاریخ روایت کند.

قاب‌های متفاوت سرزمین مادری

سریال سرزمین مادری که روایتی متفاوت از تاریخ است، بخش‌هایی از مجموعه خود را خارج از تهران تصویربرداری کرده است. این مجموعه به بررسی تاریخ سیاسی-اجتماعی ایران از سال ۱۳۲۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ایران در بستر زندگی فردی به نام رهی می‌پردازد و در قالب سه فصل برای پخش آماده شده است. حضور ستاره‌های برجسته برای نمایش یک قصه واقعی تاریخی و ارجاعات مختلف به احوال مردم پیش از انقلاب، این مجموعه را به یک اثر مخاطب پسند تبدیل کرده است.

نشان‌دادن استان‌ها در شبکه‌های سراسری

محسن توکل فرد، تهیه‌کننده سریال «جزر و مد» است که تلاش کرده بود ماهشهر را به مخاطبان معرفی کند. او در خصوص تولید کارهای خارج از تهران به جام‌جم می‌گوید: ذات آدمیزاد این است که جذابیت را در چیزهایی می‌داند که تا به حال ندیده یا برای اولین بار می‌بیند. قطعا در تهران که تمرکز فیلمسازی در آن است، به دلیل کمبودهایی که وجود دارد، لوکیشن‌ها تکراری می‌شود و وقتی مخاطب به آن نگاه می‌کند برایش تازه نیست. گاهی حتی در سریال‌های آپارتمانی هم شاهد هستیم که تنها مبلمان تغییر کرده و در همان لوکیشن‌های قبلی است. این را به‌کرات می‌توان در سریال‌ها دید. استان‌های مختلف جاذبه‌های خاص خود را دارند. مثلا خوزستان که به نخل و نفت معروف است، جاذبه‌هایی دارد که خود مردم آنجا هم ممکن است مطلع نباشند، مثل سازه‌های آبی شوشتر یا چغازنبیل. درعین حال، خوزستان به‌واسطه قرارگرفتن در حاشیه خلیج‌فارس، جذاب است. معمولا وقتی از خلیج‌فارس نام می‌بریم، استان هرمزگان و بوشهر در ذهن متبادر می‌شود. درصورتی‌که برخی از شهرهای خوزستان هم در حاشیه خلیج‌فارس قرار دارند. پرآب‌ترین رود ایران در استان خوزستان است و از چهارمحال‌وبختیاری شروع شده و تا خلیج‌فارس ادامه دارد به‌طوری‌که اقوام متعدد را دور خودش جمع کرده و فرهنگ‌ها و شهرهای مختلفی شکل گرفته‌است. وی ادامه می‌دهد: همیشه از گرمای خوزستان یاد می‌شود درحالی‌که در شمال این استان می‌توان برف روی کوه را از دور دید. این جذابیت‌ها وجود دارد اما نمی‌توان به‌صورت صرف و با ورود به استان، جذابیت برای اثر نمایشی ایجاد کرد. به نظرم باید حمایت مرکزی وجود داشته باشد. اگر سرمایه‌گذاری در استان‌ها صورت گیرد، هزینه ساخت سریال‌ها یک پنجم هزینه تولید آن در مرکز ایران و پایتخت است. البته من نمی‌خواهم پایین‌بودن کیفیت در برخی آثار را به مسائل مالی گره بزنم اما طبیعی است که مسأله مالی، اهمیت بسیاری دارد. کارهای این چنینی به‌دلیل تدارک و پشتیبانی، در برخی مواقع با چالش روبه‌رو می‌شوند. به‌طورکلی هر چیزی که به لحاظ بصری جدید باشد، برای مخاطب جذاب است و درعین حال باعث آشنایی مخاطب با منطقه و استان می‌شود. من سریالی به نام «زیباشهر» کار کرده بودم که بعد از آن نظرسنجی از مهمانان نوروزی نشان می‌داد با این منطقه آشنا شده‌اند اما باید به این مسأله هم توجه داشت که کارهای این چنینی باید حمایت شود تا تأثیرگذار باشد. وقتی از خوزستان صحبت می‌کنیم، مسأله دفاع‌مقدس پیش از هر چیزی به ذهن متبادر می‌شود. سریال‌هایی که با موضوع دفاع‌مقدس و در خوزستان تصویربرداری می‌شود می‌تواند برای آنهایی که امکان دیدن این مناطق را ندارند، جذابیت داشته باشد. وی در خصوص اهمیت پخش آثار نمایشی در شبکه‌های سراسری و میزان تأثیرگذاری آن، تصریح می‌کند: هر مخاطب یک ساعت مشخصی را صرف تلویزیون می‌کند و نمی‌تواند همه شبکه‌های استانی را تماشا کند. به هر حال قدمت شبکه‌های سراسری و استاندارد برنامه‌سازی در آنها به دلیل بودجه و تجربه بالاتر است. در عین حال استفاده بهتر از چهره‌های آشنا برای مخاطب هم تأثیرگذار است که همگی باعث تمایل مخاطب به شبکه‌های سراسری می‌شود. هرچند که باید توان شبکه‌های سراسری را هم در نظر داشت.

> **توکل فرد: در تهران که تمرکز فیلمسازی در آن است، لوکیشن‌ها تکراری می‌شود و وقتی مخاطب به آن نگاه می‌کند برایش تازه نیست**

گیلان را زیر پا گذاشتیم تا لوکیشن پیدا کنیم

سعید کنگاورنظری، مدیر تولید کارهای مختلف تلویزیونی است که در آثاری مثل «بازپرس» و «گیل دخت» هم حضور داشته؛ آثاری که هر کدام به فراخور قصه، سراغ لوکیشن‌های استان‌های مختلف رفته‌است. او در خصوص حال و هوای تولید این آثار به جام‌جم می‌گوید: هماهنگی و پیدا کردن لوکیشن‌های خارج از تهران، بنا به سمت و سوی فیلمنامه و از سوی تهیه‌کننده، کارگردان یا نویسنده مطرح می‌شود. این نوع کارها پیگیری‌های خاص خودش را دارد که با استانداری یا دهداری مربوطه انجام می‌شود. در پروژه‌های شهرستان بیشتر هماهنگی‌ها از طریق فرمانداری صورت می‌گیرد. گاهی هم از صداوسیمای استان کمک می‌گیریم تا بعضی از لوکیشن‌ها در استان‌ها را به ما معرفی کنند. لوکیشن گیل دخت مربوط به دوره قاجار بود که باید آن را به صورت میدانی بررسی می‌کردیم. من به همراه آقای اسماعیلی، کارگردان گیل دخت، روستاها را گشتیم تا برخی امکاناتی که در زمان قاجار وجود نداشت - مثل تیر برق و ورقه‌های آهنی - در قاب ما دیده نشود. نزدیک ۱۵ روز کل استان گیلان را گشتیم تا به لوکیشنی برسیم که در حین دسترسی‌هایی که لازم داشتیم، این ملاحظات را هم داشته باشد. بخشی از لوکیشن گیل دخت طبق مذاکره با جنگلبانی، ساخته شد. وی ادامه می‌دهد: در مورد بازپرس هم می‌خواستیم طبق فیلمنامه، یک کشتی در یکی از بنادر کشور را نشان دهیم. کد اولیه نمایش کشتی را نویسنده به ما داده بود. با بررسی ملاحظات مربوطه، در نهایت بندرعباس را انتخاب کردیم چون بندر شهید رجایی جزو بنادر اصلی ما است. سریال بازپرس به دلیل این‌که درگیر برخی پرونده‌های قضایی می‌شد، لوکیشن‌های متعددی لازم داشتیم. از شمال تا جنوب شهر بسته به پیش رفتن قصه، لوکیشن را انتخاب می‌کردیم. نظری در خصوص قاب‌های جذاب خلق شده در استان‌های مختلف هم، این طور بیان می‌کند: تنها مشکلی که با تنوع لوکیشن داریم، ساکن بودن مالک در آن است. برخی لوکیشن‌ها را بر اساس فیلمنامه باید پیدا کنیم. گاهی شاهد هستیم که همسایه‌ها هم ممکن است به دلیل نفع نبردن از پروژه، مانع تراشی کنند. در بسیاری از مواقع در حین تصویربرداری، متوجه می‌شویم که همسایه کناری لوکیشن، صدای موسیقی را بالا برده تا ما نتوانیم کار کنیم. وارد مذاکره می‌شویم تا آنها را راضی کنیم. به همین دلیل گاهی ناچار می‌شویم از لوکیشن‌های آماده استفاده کنیم. من چندی پیش این پیشنهاد را مطرح کردم که برخی خانه‌های بدون ساکن سازمانی یا مصادره‌ای را با هماهنگی ارگان‌های مربوط، در اختیار سازمان قرار دهند تا پروژه‌ها در حین صرفه‌جویی، بتوانند از تنوع این خانه‌ها استفاده کنند.

گپ

فقط سراغ شمال نرویم

حسن وارسته، نویسنده سریال‌هایی مثل «علی‌البدل» و «پایتخت» بوده که هر دو، تهران را ترک کرده و لوکیشن خود را در جای دیگری قرار داده‌بود. وارسته در خصوص اهمیت انتخاب لوکیشن در شهرهای دیگر، به جام‌جم می‌گوید: قاب‌های متنوع در کنار نشان دادن جغرافیا و پراکندگی جمعیت و لوکیشن و رنگارنگی نقاط از مزیت‌های لوکیشن‌های خارج از تهران است. این باعث می‌شود که بستر داستان به سمت و سوی دیگر برود. یعنی این‌طور نباشد که تنها محدود به یک فضای آپارتمانی باشیم. در عین حال از آن فضای آپارتمانی و محدود خارج می‌شود و حوادث از متمرکز شدن در یک نقطه بیرون می‌آید. البته این کار باید به ضرورت درام صورت گیرد. با این حال شاهد هستیم که گاهی ضرورت درام را بودجه اثر در حال تولید، مشخص می‌کند. در حالی که در نمونه‌های خارجی شاهد هستیم که گاهی به ضرورت قصه، کشور محل تصویربرداری را تغییر می‌دهند. با این حال، این مسأله در کشور ما گاهی به دلیل بودجه، راحت‌طلبی یا حتی بازیگران، محدودیت بیشتری دارد و باعث می‌شود از این تنوع زیستی بهره‌مند نشویم و فقط در کل کشور یک تهران یا چند شهر را برای تصویربرداری آثار انتخاب کنیم. پیش از تولید «نون خ» و «پایتخت»، برخی نگران بودند آیا کلانشهرها و مردمش آثار را می‌بینند یا خیر. اما با این کارهای ماندگار، دیدیم که وقتی قصه ماندگار باشد، مردم در هر جایی که باشند، بیننده آن می‌شوند. حالا دیگر بعد از کارهایی که در کلانشهرها تولید شد، مردم انتظار دارند شهرهای خودشان، معماری، گویش و فرهنگ‌شان نمایش داده شود.

وی ادامه می‌دهد: روزگاری می‌گفتند ضبط در خارج تهران، محدودیت دارد و شدنی نیست. قطعا سختی دارد. به خاطر دارم برای تولید علی‌البدل چه سختی‌هایی را برای تصویربرداری در همدان کشیدیم. بخشی از آن به این دلیل بود که تیم از مرکز به سمت آنجا می‌آمد و چند ماه ناچار بودند در شهرستان زندگی کنند که سختی خودش را داشت. همیشه دیده‌ایم خروجی‌ها مورد استقبال مخاطب قرار می‌گیرد. باید از خودمان بگذریم مخاطب بتواند از تصاویر و قصه لذت ببرد. همه جای کشور جذاب است.

وارسته در ادامه به یک آسیب در انتخاب لوکیشن‌های متنوع خارج از تهران هم اشاره کرده و می‌گوید: چیزی که اتفاق افتاده این است که حتی در فیلم‌های سینمایی مدام سراغ لوکیشن‌های شمال کشور می‌روند. در حالی که این کشور جغرافیای وسیع و مناطق بکر دیدنی دارد. اتفاقا بعضی وقت‌ها جاذبه‌های تصویری کویر از شمال جذاب‌تر است. حالا که سختی می‌کشیم، وقتش رسیده یک قصه را متمرکز بر یک استان و قصه دیگر را برای جای دیگر قرار دهیم. کرمان، یزد، بندرعباس و... همه سرشار از قصه است. این روزها نیاز داریم با توجه به مسأله خلیج‌فارس، سراغ این منطقه برویم؛ چون حاشیه خلیج‌فارس سراسر قصه است. خود بیرجند و کشاورزی آن پر از سوژه است. اتفاقا اخیرا در یک جلسه‌ای این را گفتم که کشاورزی در شمال تنها محدود به برنج و گندم نیست. باید به زعفران و دیگر بخش‌هایش هم توجه کرد. به نظرم اگر به این نکات توجه شود، در حین آشنایی مخاطب با استان‌ها و مناطق دیدنی آنها، به شناخت فرهنگ و مردم‌شناسی هم کمک بسیاری می‌شود.

عقدپرماجرا	آوازمه	تعطیلات‌رویایی	بازی‌نقاب‌ها	جاده‌های‌سبزشمالی	عاشورا	آتش‌دل	روزهای‌بی‌قراری	سرزده			
فارس	گیلان	کیش	گلستان	مازندران	آذربایجان+خوزستان	اصفهان	اصفهان	خراسان رضوی			
هتل‌پیاده‌رو	افرا	سنجرخان				کارآگاه‌رشید					
کیش	گیلان	کردستان				اصفهان					
		گاردساحلی				همدوماد					
		هرمزگان				یزد					
		ابرمی‌بارد				آقای‌گرفتار					
		گیلان				اصفهان					
		گل‌های‌گرمسیری	سردلبران	درمسیرزاینده‌رود	حانیه	خاک‌گرم	نگهبان‌زمین	دخترم‌نرگس			
		خوزستان	یزد	اصفهان	یزد	کرمان	خراسان	آذربایجان‌غربی			

دریچه

لوکیشن‌های شهرهای جنوبی

سریال «عاشورا» به کارگردانی هادی حجازی‌فر از آثاری است که لوکیشن‌هایی خارج از تهران داشت و بخش‌های مهم و قسمت زیادی از سریال در جنوب کشور مقابل دوربین رفت. البته بخشی از کار در شهرک سینمایی دفاع‌مقدس که در جاده قم واقع شده است، تصویربرداری شد که می‌توان گفت گروه سازنده جزیره مجنون را برای این سریال بازسازی کردند اما شهرک دفاع‌مقدس قابلیت تصویربرداری همه سکانس‌های این سریال را نداشت. به همین دلیل گروه راهی جنوب کشور شدند و بخش‌های عظیمی از سریال در شهرهای جنوبی مقابل دوربین رفت. داستان این سریال مربوط به یکی از شهدای دفاع‌مقدس است. داستان از جایی شروع می‌شود که مهدی باکری از برادر کوچک‌ترش حمید می‌خواهد به‌رغم مشکلات و مسائلی که برایش پیش آمده به منطقه جنگی برگردد و در کنار او باشد. حمید خواسته او را می‌پذیرد و با برادرش همراه می‌شود. پس از عملیات خیبر، مهدی باکری باید به تنهایی به خانه برگردد.

پنجره

گشتی در جنگل‌های گیلان

یکی از لوکیشن‌های جذاب و دیدنی که چشم‌اندازهای زیبایی هم دارد، مربوط به لوکیشن‌هایی است که در شمال کشور وجود دارد.

جغرافیا و فرهنگ زیبایی که متعلق به استان گیلان است و فیلم‌ها و سریال‌های بسیاری در نقاط مختلف این استان مقابل دوربین رفته است. از جمله سریال «ابر می‌بارد» که نگاهی به شهدای سلامت در دوران کرونا دارد. این سریال در شهر رشت و برخی شهرهای این استان ساخته شد و یکی از ویژگی‌های بارز آن که باعث اقبال مخاطب شد، همین لوکیشن‌های زیبا و چشم‌نوازی است که در قاب این سریال شکل گرفت.

در ابر می‌بارد مخاطب به شهرهای زیبا و سرسبز شمال کشور سفر می‌کرد و با جذابیت‌ها و نقاط گردشگری این استان هم بیشتر آشنا می‌شد.

ضمن این‌که ساخت چنین سریال‌هایی در کنار معرفی نقاط گردشگری استان، مخاطب را با فرهنگ زندگی و غذایی و صنایع دستی این استان آشنا می‌کرد.

در این سریال از بازیگران بومی این استان هم دعوت به همکاری شده بود و این نکته هم یکی از ویژگی‌های سریال محسوب می‌شد.

گزارش تصویری

قاب‌هایی از سراسر ایران

ایران سراسر قاب‌های متنوع است و هر کجای آن را نگاه کنیم، سرشار از مناطقی است که می‌توان به‌عنوان لوکیشن سریال انتخاب کرد. از شمال و مناطق سرسبز گرفته تا جنوب و هوای دم‌کرده آن که می‌تواند نمایشی از رشادت‌های مردم در زمان دفاع‌مقدس باشد.

کیوآرکد را اسکن کنید